

بررسی کارنامه اقتصادی دولت چهاردهم در حوزه‌های معیشت، تولید، اشتغال، تورم، نقدینگی، سرمایه‌گذاری و ارزش‌های می‌دهد میان توصیه‌های اقتصادی رهبر انقلاب و برخی خروجی‌های عملکرد دولت پزشکیان، فاصله قابل توجهی شکل گرفته است.

دولت گم‌کار

محور مورد تأکید	وضعیت عملکرد نتیجه
معیشت مردم	فاصله زیاد
تولید داخلی	فاصله زیاد
اشتغال	فاصله قابل توجه
مهارت‌ورم و گرانی	فاصله بسیار زیاد
نقدینگی و ثبات	اقدام وجود دارد، نتیجه ناکافی
سرمایه‌گذاری و رشد	فاصله قابل توجه
اقتصاد مقاومتی	فاصله قابل توجه، با اثر جنگ و تحریم
کاهش وابستگی ارزی	فاصله زیاد
واردات در خدمت تولید	نیازمند ارزیابی و اصلاح
جنگ و بازسازی	در حال اجرا و هنوز فاقد نتیجه نهایی

قیمت محصولات اسنوا ۶ برابر گران شد

بررسی قیمت تلویزیون‌های تولیدی گروه انتخاب در برند اسنوا نشان می‌دهد قیمت‌های این محصولات طی دو سال اخیر رشد شدیدی را تجربه کرده است. براساس داده‌های بازار، قیمت تلویزیون‌های اسنوا از تیرماه ۱۴۰۳ تا مهرماه ۱۴۰۵ بین ۵ تا ۶ برابر شده است. قابل ذکر است در سال‌های گذشته گروه اسنوا از جمله شرکت‌هایی بود که به همراه جمعی از تولیدکنندگان لوازم خانگی در نامه‌ای به رهبر شهید انقلاب، خواستار جلوگیری از واردات محصولات خانگی کرده‌ای شده بود.

تغییرات قیمت تلویزیون‌های اسنوا از تیر ۱۴۰۳ تا مهر ۱۴۰۵ (تومان)

مدل تلویزیون	سایز (اینچ)	قیمت در تیر ۱۴۰۳	قیمت در مهر ۱۴۰۵	چند برابر شده؟!
SQL - 65QK800UD	۶۵	۵۶,۳۴۹,۰۰۰	۱۹۸,۰۰۰,۰۰۰	۳,۵
SSD - 65SK700UD	۶۵	۳۵,۴۰۰,۰۰۰	۱۵۳,۰۰۰,۰۰۰	۴,۳
SSD - 65SK710UD	۶۵	۳۵,۴۰۰,۰۰۰	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۴
SSD - 50SK600UD	۵۰	۱۷,۸۰۰,۰۰۰	۹۵,۸۵۰,۰۰۰	۵,۴
SSD - 55SK500UD	۵۵	۱۸,۶۰۰,۰۰۰	۱۲۴,۲۶۹,۰۰۰	۶,۷

امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس:

آقای همتی، اگر نمی‌توانید دلار را کنترل کنید استعفا دهید

جوابیه وزارت جهاد کشاورزی به روزنامه چارسوق

سردبیر محترم روزنامه چارسوق

با سلام و احترام

گروه‌های اصلی مورد بررسی در این گزارش است. برای مقایسه بهتر، شاخص کل تورم در ماه مذکور ۴۰۲ درصد بوده است و گروه‌هایی نظیر «ارتباطات» با ۱۴۰۷ درصد، «تفریح و فرهنگ» با ۹۰۶ درصد و «حمل و نقل» با ۷۰۹ درصد، بیشترین نرخ تورم را داشته‌اند. نکته حائز اهمیت، روند نزولی و چشمگیر تورم در گروه خوراکی‌ها در ماه‌های اخیر است که نشان‌دهنده مدیریت صحیح این حوزه است. براساس داده‌های آماری، روند تغییرات این گروه به شرح زیر بوده است: بهمن ۱۵:۵:۱۴۰۴ درصد اسفند ۸:۶:۱۴۰۴ درصد فروردین ۵:۵:۱۴۰۵ درصد اردیبهشت ۷:۸:۱۴۰۵ درصد خرداد ۶:۸:۱۴۰۵ درصد تیر ۲:۵:۱۴۰۵ مرداد ۳:۴:۱۴۰۵ شهریور ۲:۲:۱۴۰۵ این روند کاهش مستمر، نشان می‌دهد که تورم در بخش خوراکی‌ها به شکلی هدفمند در حال کنترل است و شهر یورماه یکی از موفق‌ترین ماه‌ها در زمینه کاهش نرخ تورم این گروه محسوب می‌شود.

نظر به مطلب منتشر شده در آن روزنامه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ شماره ۵۷۷ با عنوان «ارزانی به روایت وزیر گرانی به روایت جیب مردم» مقتضی است دستور فرمایید، طبق قانون مطبوعات، توضیحات وزارت جهاد کشاورزی در آن روزنامه در همان صفحه وستون برای روشنگری افکار عمومی منتشر گردد. تورم پدیده‌ای چند وجهی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی از جمله سیاست‌های پولی و مالی، ثبات اقتصادی، نرخ ارز، هزینه‌های تولید، انرژی، حمل و نقل و شرایط اقلیمی قرار دارد. از این رو، نمی‌توان تغییرات قیمت مواد غذایی را صرفاً به عملکرد یا سیاست‌های یک دستگاه اجرایی، از جمله وزارت جهاد کشاورزی، نسبت داد؛ چرا که زنجیره تأمین مواد غذایی تحت تأثیر عوامل جهانی، هزینه‌های توزیع، مبادله و سیاست‌های تجاری و ارزی کشور است. براساس گزارش رسمی مرکز آمار ایران، نرخ تورم در گروه «خوراکی‌ها» در شهریورماه ۱۴۰۵ به ۲۰۲ درصد رسید که این رقم، کمترین نرخ تورم در میان تمامی

تسلیم الدوله

آقای ظریف! چین با قدرت به میز مذاکره رفت نه با دست خالی

اظهارات اخیر محمدجواد ظریف درباره تجربه چین و ضرورت تغییر نگاه ایران از «تهدید محوری» به «فرصت محوری» بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که آیا مشکل سیاست خارجی ایران، بدبینی به آمریکا و کشورهای منطقه است یا نادیده گرفتن واقعیت‌های امنیتی و اعتماد بیش از اندازه به وعده‌های قدرت‌های غربی؟

واشینگتن



ارزیابی عملکرد دولت چهاردهم در اجرای محوره‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب

دولت کم‌کار



گزارش

بررسی کارنامه اقتصادی دولت چهاردهم در حوزه‌های معیشت، تولید، اشتغال، تورم، نقدینگی، سرمایه‌گذاری و ارز نشان می‌دهد میان توصیه‌های اقتصادی رهبر انقلاب و برخی خروجی‌های عملکرد دولت پزشکیان، فاصله قابل توجهی شکل گرفته است. رهبر انقلاب در پیام‌ها و بیانات اقتصادی خود، مجموعه‌ای از اولویت‌ها را برای حل مشکلات کشور مشخص کرده‌اند؛ از تأمین معیشت مردم و مهار تورم تا رونق تولید، ایجاد اشتغال، کنترل نقدینگی، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش وابستگی اقتصاد به دلار. اکنون بررسی عملکرد اقتصادی دولت پزشکیان در این محورها، پرسش مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد: **اقدامات انجام‌شده تا چه اندازه توانسته است اهداف مورد تأکید رهبری را در زندگی مردم و شاخص‌های واقعی اقتصاد محقق کند؟ بررسی شاخص‌های اقتصادی و اقدامات اعلام‌شده دولت نشان می‌دهد در حوزه‌هایی مانند مهار تورم، معیشت خانوارها، تولید و سرمایه‌گذاری، فاصله قابل توجهی میان اهداف مورد تأکید رهبر انقلاب و نتایج اقتصادی مشاهده می‌شود.** **افزایش شدید قیمت‌ها، افت اشتغال در بهار امسال و منفی شدن رشد برخی بخش‌های اقتصادی، از مهم‌ترین نشانه‌های این فاصله است.** البته ارزیابی منصفانه عملکرد دولت مستلزم توجه به شرایط جنگی، تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی نیز هست. نمی‌توان تمام تحولات اقتصادی را صرفاً به یک دولت یا یک تصمیم نسبت داد؛ اما این ملاحظات نیز ضرورت پاسخ‌گویی درباره کیفیت سیاست‌گذاری، میزان آمادگی اقتصاد در برابر شوک‌ها و نتایج اقدامات اجرایی را منتفی نمی‌کند. نکته محوری این بررسی آن است که اعلام برنامه و اجرای یک سیاست، لزوماً به معنای تحقق هدف اقتصادی نیست. معیار نهایی، تأثیر سیاست‌ها بر قدرت خرید مردم، تولید، اشتغال و ثبات اقتصادی است؛ معیارهایی که در چند حوزه اصلی همچنان از وضعیت مطلوب فاصله دارند. در ادامه ۱۰ محور اقتصادی پیام‌های رهبری و عملکرد دولت را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

محور مورد تأکید	وضعیت عملکرد/نتیجه
معیشت مردم	فاصله زیاد
تولید داخلی	فاصله زیاد
اشتغال	فاصله قابل توجه
مهار تورم و گرانی	فاصله بسیار زیاد
نقدینگی و ثبات	اقدام وجود دارد، نتیجه ناکافی
سرمایه‌گذاری و رشد	فاصله قابل توجه
اقتصاد مقاومتی	فاصله قابل توجه، با اثر جنگ و تحریم
کاهش وابستگی ارزی	فاصله زیاد
واردات در خدمت تولید	نیازمند ارزیابی و اصلاح
جنگ و بازسازی	در حال اجرا و هنوز فاقد نتیجه نهایی

اولویت‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب است؛ زیرا افزایش مستمر قیمت‌ها، قدرت خرید حقوق‌بگیران را کاهش می‌دهد و آثار سایر سیاست‌های حمایتی را نیز تضعیف می‌کند. گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد تورم سالانه شهریور ۱۴۰۵ به ۶۸ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۴ درصد رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد فشار تورمی، به‌ویژه در بخش کالاها، به یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی خانوارها تبدیل شده است. در چنین وضعیتی، افزایش دستمزدها و پرداخت‌های حمایتی اگر با مهار رشد قیمت‌ها همراه نباشد، ممکن است تنها بخشی از قدرت خرید از دست‌رفته را جبران کند. تورم بالا همچنین برنامه‌ریزی اقتصادی بنگاه‌ها را دشوار می‌کند، هزینه جایگزینی مواد اولیه و تجهیزات را افزایش می‌دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت را کاهش می‌دهد. از این رو، مهار تورم تنها یک هدف پولی نیست، بلکه پیش‌شرط ثبات اقتصادی و حمایت مؤثر از تولید نیز به‌شمار می‌رود. دولت و بانک مرکزی باید درباره سهم عوامل مختلف از جمله کسری بودجه، رشد نقدینگی، ناترازی بانک‌ها، انتظارات تورمی، نرخ ارز و شوک‌های خارجی در افزایش قیمت‌ها توضیح دهند. بدون شناسایی دقیق عوامل تورم، نمی‌توان انتظار داشت سیاست‌های مقطعی به کاهش پایدار آن منجر شود. گره زدن مهار تورم به گشایش در مذاکرات خارجی، بدون ارائه برنامه مؤثر و قابل اندازه‌گیری برای کنترل عوامل داخلی تورم، خطر به تعویق افتادن اصلاحات ضروری را به همراه دارد.

۵. نقدینگی؛ اقدامات کنترلی بدون نتیجه کافی

مدیریت نقدینگی و جلوگیری از بی‌ثباتی پولی، از دیگر محوره‌های مهم سیاست اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب است. بانک مرکزی اقداماتی از جمله افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها تا سقف ۵/۵ واحد درصد را برای محدود کردن خلق پول اجرا کرده است. با این حال، رشد نقطه‌به‌نقطه نقدینگی در سال ۱۴۰۵ همچنان بیش از ۵۰ درصد گزارش شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که میان استفاده از ابزارهای سیاست پولی و دستیابی به ثبات پایدار، تفاوت وجود دارد. افزایش نسبت سپرده قانونی می‌تواند بخشی از توان تسهيلات‌دهی بانک‌ها را محدود کند، اما کنترل پایدار رشد نقدینگی به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نیاز دارد؛ از جمله اصلاح ناترازی بانک‌ها، مدیریت تأمین مالی دولت و جلوگیری از ایجاد فشارهای پولی مزمن.

با این وجود، تداوم رشد بالای نقدینگی در کنار تورم شدید، نشان می‌دهد اقدامات انجام‌شده هنوز نتوانسته‌اند به ثبات مورد انتظار در سطح اقتصاد کلان منجر شوند.

مدیریت اقتصاد نباید به انتظار برای رفع تحریم‌ها محدود شود. اصلاح ناترازی بانک‌ها، انضباط بودجه‌ای و کنترل خلق پول از اقداماتی است که دولت می‌تواند در داخل دنبال کند.

۶. سرمایه‌گذاری؛ فاصله میان نیاز اعلامی و واقعیت اقتصاد

افزایش سرمایه‌گذاری و هدایت منابع مالی به سمت تولید، یکی از الزامات تحقق رشد اقتصادی پایدار است. دولت چهاردهم نیز بر اهمیت این موضوع تأکید کرده و معاون اول رئیس‌جمهور برای دستیابی به رشد اقتصادی هشت‌درصدی، نیاز کشور به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را مطرح کرده است.

با این حال، شاخص تشکیل سرمایه ثابت در بهار ۱۴۰۵ با افت قابل توجهی مواجه شده است. این وضعیت نشان می‌دهد مسئله اقتصاد ایران صرفاً کمبود منابع مالی نیست، بلکه تبدیل منابع موجود و ظرفیت‌های بالقوه به سرمایه‌گذاری واقعی نیز با چالش روبه‌روست.

وقتی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، تجهیزات و ظرفیت‌های تولیدی کاهش پیدا می‌کند، توان تولید آینده تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، ضعف سرمایه‌گذاری امروز می‌تواند به محدود شدن رشد اقتصادی و اشتغال در سال‌های بعد منجر شود.

برای بهبود این وضعیت، باید موانع پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی، دشواری تأمین مالی، بی‌ثباتی مقررات و مشکلات محیط کسب‌وکار مورد توجه قرار گیرد. همچنین ضروری است سهم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و میزان تحقق طرح‌های اعلام‌شده به‌صورت شفاف منتشر شود.

اعلام نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی، بدون تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و رفع موانع فعالیت بنگاه‌ها، نمی‌تواند به‌تنهایی ظرفیت تولید را افزایش دهد. حتی در شرایط تداوم تحریم‌ها، بهبود محیط کسب‌وکار و ثبات مقررات از حوزه‌های قابل پیگیری دولت است.

۷. اقتصاد مقاومتی؛ آزمون تاب‌آوری در برابر شوک‌ها

اقتصاد مقاومتی بر افزایش توان داخلی، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت ظرفیت اقتصاد برای مقابله با تحریم‌ها و شوک‌های خارجی تأکید دارد.

جنگ اخیر، اقتصاد کشور را در معرض آزمون

۱. معیشت مردم؛ فاصله حمایت‌های اعلامی با قدرت خرید خانوار

تأمین معیشت و ارتقای رفاه عمومی از مهم‌ترین اولویت‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب است. با این حال، افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی در ماه‌های اخیر، فشار قابل توجهی بر سبد مصرفی خانوارها وارد کرده است. براساس گزارش مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه کالاهادر شهریور ۱۴۰۵ به ۱۱۸ درصد رسیده است؛ رقمی که از افزایش سنگین هزینه تأمین کالاها نسبت به ماه مشابه سال قبل حکایت دارد. در چنین شرایطی، میزان حمایت جبرانی دولت اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابزرگ برای اقشار کم‌درآمد، در مقایسه با افزایش هزینه سبد غذایی خانوار، محدود بوده است. برای جبران کامل قدرت خرید از دست‌رفته در پی افزایش قیمت کالاهای مشمول حذف ارز ترجیحی، اعتبار کالابزرگ باید به حدود سه میلیون تومان می‌رسید.

مسئله اصلی آن است که حمایت‌های نقدی و اعتباری زمانی می‌توانند نقش مؤثری در حفظ معیشت ایفا کنند که متناسب با تغییر هزینه‌های واقعی خانوار تنظیم شوند. در غیر این صورت، افزایش اسمی حمایت‌ها الزاماً به معنای بهبود قدرت خرید نیست.

از این منظر، عملکرد دولت باید نه براساس تعداد طرح‌های حمایتی، بلکه بر مبنای میزان جبران افت قدرت خرید و دسترسی خانوارها به کالاهای ضروری سنجیده شود. با وجود تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار کم‌درآمد، افزایش شدید قیمت کالاها نشان می‌دهد سیاست‌های حمایتی به‌تنهایی نتوانسته‌اند فشار تورمی بر معیشت مردم را خنثی کنند.

۲. تولید داخلی؛ رشد اقتصادی در مسیر نامطلوب

تقویت تولید داخلی از محوره‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب است؛ سیاستی که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اشتغال، بهبود درآمد خانوارها و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر فشارهای خارجی باشد. با این حال، براساس حساب‌های ملی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی در بهار ۱۴۰۵ منفی شده و بخش‌های متعددی از اقتصاد با افت فعالیت مواجه بوده‌اند.

کاهش تولید در شرایطی که اقتصاد کشور به افزایش عرضه کالا، تقویت ظرفیت‌های داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی نیاز دارد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. افت تولید صرفاً یک شاخص آماری نیست؛ این روند می‌تواند به کاهش درآمد بنگاه‌ها، محدود شدن اشتغال، تعویق سرمایه‌گذاری و افزایش فشار بر بازار کار منجر شود. البته برای قضاوت دقیق درباره عملکرد دولت باید سهم بخش نفت، صنعت، کشاورزی و خدمات از تغییرات رشد اقتصادی مشخص شود و آثار جنگ نیز در تحلیل لحاظ شود. با این حال، حتی با در نظر گرفتن این عوامل، تداوم ضعف تولید ضرورت بازنگری در سیاست‌های پشتیبان تولید، تأمین مالی بنگاه‌ها و رفع موانع کسب‌وکار را برجسته می‌کند.

اگر سیاست خارجی و مذاکرات قرار است به رشد اقتصادی کمک کند، این هدف نباید جایگزین رفع موانع داخلی تولید، تأمین سرمایه در گردش و فعال سازی ظرفیت‌های خالی صنعتی شود.

۳. اشتغال؛ کاهش تعداد شاغلان و افزایش نرخ بیکاری

حفظ اشتغال موجود، جلوگیری از تعدیل نیروی کار و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از دیگر محوره‌های مورد تأکید رهبر انقلاب است. نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۵ به ۹/۱ درصد رسیده است؛ یعنی ۱/۸ واحد درصد بیشتر از بهار سال قبل شده است. تعداد شاغلان نیز حدود ۴۵۰ هزار نفر کاهش یافته و جمعیت غیرفعال اقتصادی حدود ۷۹۶ هزار نفر افزایش داشته است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله نیز ۳۲/۴ درصد گزارش شده است. این ارقام، ضرورت توجه جدی‌تر به وضعیت بازار کار را نشان می‌دهد. کاهش تعداد شاغلان در کنار افزایش جمعیت غیرفعال اقتصادی می‌تواند بیانگر آن باشد که بخشی از جمعیت در سن کار، نه‌تنها فرصت شغلی مناسبی پیدا نکرده، بلکه از جست‌وجوی فعالانه کار نیز فاصله گرفته است.

با این حال، بهار ۱۴۰۵ تحت تأثیر شرایط جنگی قرار داشته و نمی‌توان تمام تغییرات این دوره را به سیاست‌های دولت نسبت داد.

با وجود این ملاحظه، دولت برای تحقق هدف اشتغال پایدار باید برنامه‌ای روشن و قابل اندازه‌گیری برای جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌ها، حفظ نیروی کار و توسعه فرصت‌های شغلی ارائه کند. در کنار عوامل خارجی، دولت باید روشن کند چه برنامه‌ای برای حفظ اشتغال بنگاه‌ها، جلوگیری از تعدیل نیرو و جبران خسارت‌های اقتصادی داشته و این برنامه‌ها تا چه اندازه به نتیجه رسیده‌اند.

۴. تورم و گرانی؛ مهم‌ترین شکاف میان هدف و نتیجه

مهار تورم و کنترل گرانی، از مهم‌ترین

جدی قرار داده است. افت رشد اقتصادی، افزایش فشارهای تورمی، تغییرات بازار ارز و دشواری‌های بازار کار، اهمیت تاب‌آوری اقتصادی را بیش از گذشته آشکار می‌کند.

البته وقوع شوک خارجی به‌خودی‌خود به معنای شکست سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیست؛ معیار اصلی آن است که اقتصاد تا چه اندازه بتواند آثار شوک را محدود کند، تأمین کالاهای ضروری را استمرار بخشد و فعالیت تولیدی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن احیا کند.

از این منظر، دولت باید میزان آمادگی زنجیره تأمین، وضعیت ذخایر کالاهای راهبردی، پایداری شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی و سرعت بازگشت واحدهای تولیدی آسیب‌دیده را به‌طور مستمر ارزیابی کند.

همچنین لازم است سهم مشکلات ساختاری پیشین از آثار اقتصادی جنگ تفکیک شود تا مشخص‌گذاری آسیب‌ها مستقیماً ناشی از شرایط اضطراری بوده و کدام‌یک ریشه در ضعف‌های مزمن سیاست‌گذاری داشته است. سیاست خارجی باید در خدمت تقویت ظرفیت‌های داخلی قرار گیرد. اگر برنامه‌ریزی اقتصادی به نتیجه مذاکرات وابسته شود، اقتصاد در برابر تأخیر یا شکست مذاکرات آسیب‌پذیرتر خواهد شد.

۸. کاهش وابستگی به دلار؛ ضرورت کاهش آسیب‌پذیری ارزی

کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از نوسانات ارز و کاهش وابستگی به دلار، از محوره‌های مورد تأکید در سیاست‌های اقتصادی رهبر انقلاب است. افزایش نرخ ارز در بازار آزاد، علاوه بر اثرگذاری بر هزینه واردات، از مسیر انتظارات تورمی و افزایش هزینه جایگزینی کالاها می‌تواند بر قیمت‌های داخلی نیز اثر بگذارد. این مسئله به‌ویژه در اقتصادی که بخشی از مواد اولیه، نهاده‌ها و تجهیزات مورد نیاز تولید را از خارج تأمین می‌کند، اهمیت زیادی دارد.

با این حال، کاهش وابستگی به دلار صرفاً با کنترل اداری نرخ ارز یا تغییر یک سساروکار معاملاتی محقق نمی‌شود. تنوع بخشی به شرکای تجاری، گسترش پیمان‌های پولی، توسعه ابزارهای تسویه غیردلاری و تقویت صادرات غیرنفتی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد را کاهش دهد. از سوی دیگر، نرخ ارز تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل، از جمله تحریم‌ها، انتظارات، شرایط جنگی، عرضه و تقاضای ارز و سیاست‌های پولی قرار دارد؛ بنابراین نمی‌توان تمام افزایش نرخ ارز را به یک عامل نسبت داد. با وجود این، افزایش شدید نرخ ارز ضرورت پاسخ‌گویی درباره نحوه مدیریت بازار، تأمین ارز مورد نیاز تولید و جلوگیری از انتقال شوک‌های ارزی به قیمت کالاهای ضروری را دوچندان می‌کند.

قیمت دلار در ۲۶ ماه نخست دولت پزشکیان نزدیک به ۴/۵ برابر شده و رکورد همه دولت‌ها را شکسته است.

انتظار برای رفع تحریم‌ها نباید جایگزین مدیریت فعال بازار ارز، تقویت عرضه از صادراتی، کاهش نااطمینانی سیاستی و جلوگیری از انتقال شوک‌های ارزی به قیمت کالاهای ضروری شود.

۹. واردات؛ آيا منابع ارزی در خدمت تولید قرار گرفته‌اند؟

حمایت از تولید داخلی به معنای توقف واردات نیست. واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات، تجهیزات و نهاده‌های ضروری می‌تواند ظرفیت تولید را افزایش دهد؛ اما واردات کالاهای غیرضروری یا کالاهایی که امکان تأمین مناسب آنها در داخل وجود دارد، باید با دقت بیشتری ارزیابی شود.

افزایش واردات خودرو در نیمه نخست سال ۱۴۰۵، با وجود محدودیت‌های ارزی، از جمله موارد انتقاد به عملکرد دولت عنوان شده است. همچنین آزادسازی واردات گوشی‌های لوکس و گران قیمت به عنوان نمونه‌ای از ضرورت بازنگری در اولویت‌بندی واردات مطرح شده است.

اعطای ۱۰ هزار دلار به هر نفر که عمده آن به دلان می‌رسد هم اقدام اشتباه بانک مرکزی است که سبب هدررفت منابع ارزی کشور شد. در شرایط اضطراری، اولویت‌بندی داخلی، تصمیم‌گیری سریع و حمایت از ظرفیت‌های تولیدی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مذاکرات خارجی نمی‌تواند جایگزین برنامه عملیاتی برای بازسازی اقتصاد و حفظ معیشت مردم شود.

۱۰. جنگ و بازسازی اقتصادی؛ ضرورت عبور از اقدامات مقطعی

جبران خسارت‌های جنگ، تأمین کالاهای ضروری، مدیریت انرژی و بازسازی مناطق و زیرساخت‌های آسیب‌دیده، از مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت در شرایط پس از جنگ است. سسختنگوی دولت برآورد اولیه خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ را حدود ۲۷۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. با این حال، برآورد خسارت جنگ به روش محاسبه، دامنه خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم و مفروضات مورد استفاده وابسته است و برای دآوری درباره این رقم، انتشار جزئیات و مستندات محاسبه ضرورت دارد.

همچنین گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس در مهرماه نشان داد اقدامات دولت در زمینه بازسازی اقتصادی کافی ارزیابی نشده است. در این حوزه، معیار موفقیت دولت باید روشن باشد؛ چه میزان از خسارت‌ها برآورد و تأمین مالی شده، چه تعداد از واحدهای تولیدی و زیرساخت‌های آسیب‌دیده به مدار فعالیت بازگشته‌اند، چه برنامه‌ای برای حفظ اشتغال وجود دارد و منابع بازسازی چگونه تخصیص می‌یابد؟

شرایط جنگی، محدودیت‌های منابع و فشار تحریم‌ها، دشواری بازسازی را افزایش می‌دهد؛ اما ضرورت برنامه‌ریزی شفاف، تعیین اولویت‌ها و ارائه گزارش منظم از پیشرفت کار را نیز بیشتر می‌کند.

جمع‌بندی: ملاک ارزیابی، نتیجه اقتصادی است
بررسی ۱۰ محور اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب نشان می‌دهد مهم‌ترین چالش‌های عملکرد دولت چهاردهم در حوزه معیشت مردم، مهار تورم، تولید داخلی و سرمایه‌گذاری قابل مشاهده است. تورم بالا، افت رشد اقتصادی و کاهش تعداد شاغلان در بهار ۱۴۰۵، از جمله شاخص‌هایی هستند که ضرورت بازنگری در سیاست‌های اقتصادی را برجسته می‌کنند. در حوزه نقدینگی، ابزارهای کنترلی به کار گرفته شده، اما رشد بالای نقدینگی و تداوم تورم نشان می‌دهد نتیجه نهایی هنوز با هدف ثبات اقتصادی فاصله دارد. در زمینه اشتغال و بازسازی نیز باید آثار جنگ را از روندهای پیش‌بین تفکیک کرد و عملکرد دولت را بر مبنای شاخص‌های روشن سنجید.

فاصله میان اهداف اعلام‌شده و نتایج اقتصادی، ضرورت بازنگری جدی در اولویت‌های اجرایی دولت را نشان می‌دهد. اجرای مؤثر محوره‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب، زمانی محقق خواهد شد که آثار آن در شاخص‌های قابل اندازه‌گیری اقتصاد و پیش از همه در سفره زندگی مردم نمایان شود.

بررسی ۱۰ محور اقتصاد در پیام‌ها و بیانات رهبر انقلاب و تطبیق آنها با شاخص‌های اقتصادی و اقدامات دولت چهاردهم نشان می‌دهد که میان جهت‌گیری‌های مورد تأکید رهبری و خروجی‌های اقتصادی دولت در چند محور اصلی، فاصله قابل توجهی وجود دارد. البته در برخی حوزه‌ها، اقداماتی در راستای این محورها انجام شده است؛ بنابراین نمی‌توان عملکرد دولت را در همه زمینه‌ها یکسان ارزیابی کرد. نکته مهم در این بررسی آن است که اقدام دولت با نتیجه اقتصادی یکی نیست. برای نمونه، بانک مرکزی اقداماتی برای کنترل رشد نقدینگی انجام داده، اما هم‌زمان سطح نقدینگی و تورم همچنان بسیار بالا است.

جمع‌بندی نهایی

اگر این ۱۰ محور رانه براساس شعارها و وعده‌ها، بلکه براساس خروجی‌های قابل اندازه‌گیری اقتصاد بررسی کنیم، تصویر کلی چنین است (جدول).

چرا نتایج اقتصادی دولت پزشکیان با اهداف اعلام‌شده فاصله دارد؟

مقایسه شاخص‌ها، ضرورت بررسی چند عامل

را برجسته می‌کند:

نخست، اتکای بیش از اندازه به گشایش خارجی، پزشکیان در برنامه‌های انتخاباتی خود بر مذاکره برای رفع تحریم‌ها تأکید کرده بود. این رویکرد می‌تواند بخشی از راهبرد سیاست خارجی باشد، اما اگر تحقق اهداف اقتصادی به نتیجه مذاکرات گره بخورد، نااطمینانی خارجی به مانعی برای برنامه‌ریزی داخلی تبدیل می‌شود

دوم: ضرورت تفکیک وعده از اقدام اجرایی. در حوزه‌هایی مانند اصلاح نظام بانکی، تأمین مالی تولید، رفع موانع کسب‌وکار و مدیریت بازار ارز، ابزارهایی در اختیار دولت قرار دارد که اجرای آنها الزاماً به توافق خارجی وابسته نیست؛ بنابراین، باید بررسی شود چه میزان از ظرفیت‌های داخلی به کار گرفته شده و نتایج آن چه بوده است.

سوم: نبود نتیجه متناسب با شدت مشکلات. در شرایط تورم بالا و افت تولید، معرفی طرح‌ها و اعلام اهداف بلندپروازانه کافی نیست. دولت باید درباره آثار قابل اندازه‌گیری سیاست‌های خود گزارش دهد؛ از جمله میزان کاهش تورم، تغییر قدرت خرید، رشد سرمایه‌گذاری و تعداد مشاغل حفظ‌شده یا ایجاد‌شده.

چهارم: تأثیر تحریم و جنگ. نمی‌توان نقش تحریم‌ها و جنگ را نادیده گرفت. این عوامل بر صادرات، درآمد‌های ارزی، تجارت و تولید اثر می‌گذارند. با این حال، همین شرایط ضرورت کاهش وابستگی به گشایش خارجی و تقویت ظرفیت‌های داخلی را بیش‌تری کند.

نقد اصلی آن است که مذاکره نباید به شرط مقدّماتی برای اداره اقتصاد تبدیل شود. دولت می‌تواند هم‌ان‌ما پیگیری سیاست خارجی، اصلاح نظام بانکی، کنترل نقدینگی، بهبود محیط کسب‌وکار، حمایت هدفمند از تولید و مدیریت بازار ارز را دنبال کند.

در نهایت، معیار ارزیابی هر دو دولت نه شعارها و وعده‌ها، بلکه نتیجه سیاست‌ها در زندگی مردم است. اگر هدف، اجرای محوره‌های اقتصادی مورد تأکید رهبر انقلاب است، دولت باید نشان دهد که چه اقداماتی در داخل انجام داده، چه نتایجی به دست آورده و چرا شاخص‌هایی مانند تورم، تولید و سرمایه‌گذاری از مسیر مورد انتظار فاصله گرفته‌اند.

دوستانه، احتمال همکاری یک کشور با فشارهای سیاسی، اقتصادی یا اقدامات نظامی علیه ایران را نادیده گرفت. این انتقادها ناظر بر یک مسئله اساسی است: در سیاست خارجی، نه نگاه مطلقاً تهدیدمحور راهگشاست و نه فرصت‌محوری بدون پشتوانه. معیار اصلی باید شناخت دقیق تهدیدها و فرصت‌ها و تنظیم روابط بر اساس منافع ملی باشد.

دیپلماسی بدون قدرت، تضمین نمی‌آورد

این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که تجربه تاریخی ایران و تحولات منطقه نشان داده است که رفتار بازیگران بین‌المللی را نمی‌توان صرفاً با حسن نیت یا تغییر ادبیات دیپلماتیک توضیح داد. وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، سابقه حمایت قدرت‌های خارجی از تجاوز رژیم بعث عراق و تجربه نقض تعهدات برجامی، همگی ضرورت محاسبه دقیق تهدیدها را یادآوری می‌کنند. البته این واقعیت‌ها به معنای نفی دیپلماسی یا ضرورت قطع ارتباط با کشورهای منطقه نیست. مسئله، تعیین جایگاه واقعی دیپلماسی در منظومه قدرت ملی است. دیپلماسی باید در خدمت تأمین منافع کشور باشد و از ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی برای افزایش قدرت چانه‌زنی بهره بگیرد.

مسئله. مذاکره نیست: نسخه‌پیچی بدون توجه به واقعیت‌هاست اختلاف اصلی بر سر اصل مذاکره نیست؛ هیچ سیاست خارجی واقع‌بینانه‌ای را نمی‌توان به نفی مطلق گفت‌وگو تقلیل داد. مسئله آن است که آیا مذاکره به خودی خود می‌تواند جایگزین قدرت ملی شود و آیا صرف تغییر نگاه به آمریکا و کشورهای منطقه، رفتار خصمانه احتمالی آنها را تغییر می‌دهد؟

تجربه چین نشان می‌دهد که گشایش دیپلماتیک در بستر محاسبات راهبردی و موازنه قدرت شکل گرفت و جهش اقتصادی آن نیز به اصلاحات عمیق اقتصادی وابسته بود. تجربه برجام نیز ضرورت پرهیز از اعتماد بی‌پشتوانه به وعده‌های آمریکا را برجسته می‌کند.

از این منظر، پیش از آنکه برای ایران نسخه مذاکره با الگوگیری از چین پیچیده شود، باید به این پرسش پاسخ داد که چه عواملی قدرت چانه‌زنی کشور را افزایش می‌دهد، چه تضمینی برای اجرای تعهدات طرف مقابل وجود دارد و چگونه می‌توان از تکرار هزینه‌های تجربه‌های گذشته جلوگیری کرد؟

دیپلماسی زمانی موفق است که به تقویت منافع ملی منجر شود؛ نه آنکه امید به توافق، جایگزین شناخت واقعیت‌ها و تقویت توان داخلی شود. ایران برای تعامل مؤثر با جهان به دیپلماسی فعال نیاز دارد، اما این دیپلماسی فعال باید بر پایه قدرت، هوشیاری و تجربه تاریخی استوار باشد؛ نه خوش بینی به طرفی که سابقه نقض تعهداتش را نمی‌توان نادیده گرفت.



مانع نقض تعهدات طرف مقابل شود، چگونه می‌توان آن را نسخه‌ای قطعی برای پیشرفت و امنیت کشور معرفی کرد؟ تجربه برجام دست‌کم یک هشدار مهم دارد: نباید میان مذاکره به عنوان ابزار دیپلماسی و اعتماد به طرف مذاکره‌کننده خلط کرد. مذاکره می‌تواند بخشی از سیاست خارجی باشد، اما نتیجه آن را رفتار واقعی طرف مقابل، توازن قدرت و امکان اجرای تعهدات تعیین می‌کند.

فرصت‌محوری یا نادیده گرفتن تهدید؟

بخش دیگری از اظهارات ظریف به ضرورت تغییر نگاه ایران به کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی، اختصاص دارد. او نگاه تهدیدمحور را مانعی برای گسترش فرصت‌های دیپلماتیک و اقتصادی معرفی می‌کند. اصل بهره‌گیری از فرصت‌های همکاری منطقه‌ای محل مناقشه نیست؛ مسئله از جایی آغاز می‌شود که فرصت‌محوری به معنای کم‌اهمیت جلوه دادن تهدیدهای واقعی یا چشم‌پوشی از رفتار عملی برخی دولت‌ها تعبیر شود. همکاری با همسایگان و توسعه روابط اقتصادی، ضرورتی راهبردی است؛ اما این همکاری باید بر اساس احترام متقابل، منافع مشترک و ارزیابی رفتار واقعی طرف مقابل شکل بگیرد. نمی‌توان صرفاً با تکیه بر اظهارات

شوروی بود. در چنین شرایطی، تغییر محاسبات واشنگتن و ملاحظات راهبردی دو طرف، نقشی اساسی در گشایش روابط ایفا کرد.

بنابراین، تقلیل این تحول تاریخی به گزاره «چین مذاکره کرد و ابرقدرت شد»، نادیده گرفتن بخش مهمی از واقعیت است. چین در آن مقطع، کشوری فاقد قدرت و ابزار چانه‌زنی نبود؛ بلکه توان نظامی، موقعیت ژئوپلیتیک و ملاحظات رقابت قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری روابط جدید نقش داشتند. از سوی دیگر، جهش اقتصادی چین عمدتاً با اصلاحات اقتصادی و سیاست‌درهای باز از سال ۱۹۷۸، پس از دوران مائو، شتاب گرفت. از این رو، میان گشایش دیپلماتیک در دهه ۱۹۷۰ و رشد اقتصادی بلندمدت چین باید تمایز قائل شد. هیچ‌یک از این تحولات را نمی‌توان صرفاً به مذاکره با آمریکا فروگاست.

درس تجربه چین برای ایران نیز روشن است: مذاکره زمانی می‌تواند به دستاورد پایدار منجر شود که بر پایه قدرت ملی، منافع متقابل و محاسبه واقع‌بینانه رفتار طرف مقابل انجام گیرد؛ نه آنکه خود مذاکره به هدف اصلی سیاست خارجی تبدیل شود.

برجام: آزمونی که نمی‌توان نادیده گرفت

ظریف در حالی بار دیگر بر تجربه مذاکره با آمریکا تأکید می‌کند که خود از چهره‌های اصلی سیاست خارجی ایران در دوران مذاکرات هسته‌ای و شکل‌گیری برجام بوده است. به همین دلیل، ارزیابی توصیه‌های او بدون بررسی نتایج آن تجربه، ارزیابی کاملی نخواهد بود. توافق هسته‌ای با هدف حل‌وفصل اختلافات و فراهم کردن زمینه‌رفع تحریم‌ها شکل گرفت، اما خروج آمریکا از برجام و کنار گذاشت تعهداتش، بار دیگر مسئله تضمین‌پذیری توافق با واشنگتن را به کانون توجه بازگرداند. پرسش اساسی این است که اگر مذاکره و توافق، بدون برخورداری از ضمانت‌های مؤثر و اهرم‌های بازدارنده، نتواند

گزارش

تجربه چین، برخلاف روایت مذاکره‌محور ظریف، نشان می‌دهد که دیپلماسی بدون قدرت ملی، اصلاحات اقتصادی و محاسبه دقیق منافع طرف مقابل، به‌تنهایی کشورها را به قدرت جهانی تبدیل نمی‌کند. اظهارات اخیر محمد جواد ظریف درباره تجربه چین و ضرورت تغییر نگاه ایران از «تهدیدمحوری» به «فرصت‌محوری» بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که آیا مشکل سیاست خارجی ایران، به‌دنبلی به آمریکا و کشورهای منطقه‌است یا نادیده گرفتن واقعیت‌های امنیتی و اعتماد بیش از اندازه به وعده‌های قدرت‌های غربی؟ ظریف با اشاره به تجربه مائو تسه‌تونگ، رهبر پیشین چین، مدعی شده است که مذاکره با آمریکا زمینه تبدیل این کشور به یک ابرقدرت را فراهم کرد. او همچنین با انتقاد از نگاه تهدیدمحور ایران به تحولات منطقه، بر ضرورت تغییر این رویکرد تأکید کرده است. اما آیا تجربه تاریخی چین واقعاً مؤید چنین برداشتی است؟ و مهم‌تر از آن، آیا کارنامه چندین سال مذاکره با آمریکا و تجربه برجام، جایی برای تکرار این نسخه باقی گذاشته است؟

چین با دست‌برمذاکره کرد

نگاهی به تاریخ روابط چین و آمریکا نشان می‌دهد که نزدیکی دو کشور در اوایل دهه ۱۹۷۰، نه در خلأ و صرفاً بر اثر تمایل به مذاکره، بلکه در بستر رقابت‌های راهبردی جنگ سرد شکل گرفت. سفر هنری کیسینجر به چین در سال ۱۹۷۱ و سفر ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در سال ۱۹۷۲، نقطه عطفی در روابط دو کشور بود. این تحولات در شرایطی رخ داد که چین پیش‌تر توان هسته‌ای خود را توسعه داده بود و آمریکا نیز درگیر جنگ ویتنام و رقابت با اتحاد جماهیر

اخبار



چرا ظریف میدان را تهدید می‌بیند؟

اظهارات محمد جواد ظریف درباره نقش مذاکره مائو با آمریکا در تبدیل چین به ابرقدرت، این پرسش را مطرح کرده که آیا صعود یکن محصول دیپلماسی بود یا قدرت نظامی، رقابت‌های جنگ سرد و اصلاحات اقتصادی؟

اظهارات محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، درباره نقش مذاکره با آمریکا در تبدیل چین به قدرت جهانی، با واکنش‌هایی همراه شده که بار دیگر تجربه تاریخی نزدیکی پکن و واشنگتن را در بستر رقابت‌های جنگ سرد و موازنه قدرت به کانون توجه آورده است.

ظریف با اشاره به تجربه چین در دوران مائو تسه‌تونگ گفته که «چینی‌ها از مائو تسه‌تونگ تجلیل می‌کنند، زیرا او با مذاکره با آمریکا زمینه تبدیل چین به یک ابرقدرت را فراهم کرد.» این اظهارنظر، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که آیا گشایش روابط پکن و واشنگتن نتیجه ابتکار چین برای مذاکره بود یا تغییر موازنه قدرت و محاسبات راهبردی آمریکا، زمینه این چرخش تاریخی را فراهم کرد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، روابط دو کشور پس از سال‌ها خصومت وارد مرحله تازه‌ای شد. سفر هنری کیسینجر به پکن در سال ۱۹۷۱ و سفر ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در سال ۱۹۷۲، از مهم‌ترین نقاط عطف این روند بود. این نزدیکی در شرایطی شکل گرفت که چین در حال تقویت توان نظامی و هسته‌ای خود بود و آمریکا نیز درگیر جنگ ویتنام و رقابت راهبردی با اتحاد جماهیر شوروی بود. چین در سال ۱۹۶۴ نخستین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داده بود و در سال ۱۹۶۷ نیز به توانایی آزمایش بمب هیدروژنی دست یافت. از سوی دیگر، حمایت پکن از برخی جریان‌های سیاسی و نظامی در شرق آسیا، بخشی از رقابت گسترده‌تر این کشور با آمریکا در دوران جنگ سرد بود. بنابراین، تحلیل نزدیکی دو کشور بدون در نظر گرفتن این تحولات، تصویری کامل از چرایی آغاز مذاکرات ارائه نمی‌دهد.

گفتنی است اصلاحات اقتصادی چین از سال ۱۹۷۸ و پس از دوران مائو آغاز شد که در رشد بلندمدت اقتصاد چین نقشی تعیین‌کننده داشت. این در حالی است که ظریف رشد چین را به چند سال قبل از فوت مائو یعنی حدود ۱۹۷۰ ربط داده است. از طرفی، نزدیکی دیپلماتیک دو کشور در دهه ۱۹۷۰، در بستر رقابت با شوروی و تغییر محاسبات واشنگتن شکل گرفت؛ درحالی‌که جهش اقتصادی چین عمدتاً با اصلاحات و سیاست

درهای باز از سال ۱۹۷۸، پس از مرگ مائو، شتاب گرفت. از این رو، استناد ظریف به تجربه چین برای دفاع از مذاکره با آمریکا، بدون تفکیک میان گشایش دیپلماتیک، موازنه قدرت و اصلاحات اقتصادی، تصویری ناقص از تاریخ را ارائه می‌دهد. تجربه پکن بیش از آنکه اثبات کند مذاکره به‌تنهایی یک کشور را به قدرت جهانی تبدیل می‌کند، نشان می‌دهد دیپلماسی زمانی می‌تواند دستاوردی پایدار داشته باشد که با راهبرد بلندمدت و تقویت ظرفیت‌های ملی در کنار قدرت نظامی همراه شود. گفتنی است ظریف به عنوان وزیر امور خارجه ایران در دهه گذشته تجربه برجام که حاصل چندین سال با طرف آمریکایی بود، را نیز در کارنامه خود دارد.

مراقب رویو باشیم یا ظریف؟

ظاهراً می‌توان تکفیری‌های سعودی را فرصت دانست ولی نیروی قدس و منتقدان برجام را خیر؟! اخیراً فیلمی از محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه اسبق و از دست‌اندرکاران کابوس برجام در فضای مجازی منتشر شده است که ایشان در آن اظهارات سخفیی را به زبان می‌آورد.

مشخص نیست که این فیلم چه زمانی ضبط شده است؛ محلی که آقای ظریف در آن سخنرانی می‌کند کجاست و چه مراسمی است و البته مشخص هم نیست که این فیلم را چه‌کسی و برای چه منظوری منتشر کرده است، اما به‌رحال فیلم منتشر شده است و اظهارات آقای ظریف هم آن قدری سخیف است که نسبت به آن واکنشی نشان داده شود.

آقای ظریف در این فیلم بار دیگر همان سبک همیشگی خود را یوگانه‌سازی میان میدان و دیپلماسی را به میدان می‌آورد و این بار هم علیه نیروی قدس سخن می‌گوید، این نوع موضع‌گیری‌ها از ظریف در گذشته هم وجود داشت و یک بار نیز با تذکر و توبیخ شدید امام شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای مواجه شد. آقای ظریف که ظاهراً از نقدها به برجام گلایه‌مند است، با تمثیل‌های بی‌ادبانه‌ای، ناقدان برجام را به باد انتقاد و حتی اهانت می‌گیرد و این بار از طریق استعاره تلاش می‌کند خسارت بزرگی را که با برجام به کشور زد، رفع و رجوع کند. اما فارغ از جزئیات اظهارات آقای ظریف، یک مسئله اساسی در سخنان او وجود دارد؛ او در گفته‌هایش مدام تلاش می‌کند که تهدیدمحوری را تخطئه کند و بگوید؛ «باید به جای تهدیدمحوری، فرصت‌محور باشیم.» حرف از اساس و فی نفسه غلط نیست، اما چند مشکل جدی در فرامتن و منظور آقای ظریف وجود دارد؛ اشکال اول اینکه توصیه به فرصت‌محوری، نیاز به بی‌ادبی ندارد! اگرچه ظریف مصداق را کاملاً اشتباه می‌گیرد و ادعاهایی درباره سفر مطرح می‌کند که در آن خدشه‌های بسیاری می‌توان به عنوان شاهد مطرح کرد، اما حتی اگر فرض کنیم که مصادیقش هم درست است. که نیست. این توصیه‌ها مجوزی برای این همه بی‌ادبی به او نمی‌دهد!

اشکال دوم اینکه خود آقای ظریف در این صحبت‌ها، نقض غرض می‌کند، او از یک‌سو همه را به فرصت‌محوری در قبال دیگران، حتی عربستان سعودی، دعوت می‌کند و در همان زمان به‌نوعی از نیروی قدس و منتقدان برجام سخن می‌گوید که گویا اینها جز تهدید چیز دیگری نیستند! فرامتن سخنان ظریف به‌نوعی استسک که ظاهراً می‌توان تکفیری‌های سعودی را فرصت دانست ولی نیروی قدس و منتقدان برجام را خیر؟! این چیز عجیبی است. اظهارات آقای ظریف در این سخنرانی مشابه همان جوکی است که گفت: فردی می‌خواست اثبات کند که عصبانی و خفاش نیست؛ پس شروع کرد به فریاد زدن که: «کدام فالان فالان شده‌ای به من گفته عصبانی و بد دهن هستم! » در شرایطی که ایران نیازمند انسجام همه بخش‌ها از سیاست تا نیروهای مسلح و رسانه‌ها و جامعه در برابر دشمن آمریکایی، صهیونی و تروریست‌های خونخواری مانند رویو (وزیر خارجه دولت تروریستی آمریکا) است، باید خطاب به آقای ظریف گفت؛ مردم و مسئولان ایران باید مراقب ظریف باشند یا رویو؟! بهتر است که جناب ظریف، هم بابت اظهارات غلط خود عذرخواهی کند و هم نیت انتشار دهندگان چنین فیلم نامطلوبی را تخطئه و محکوم کند.



علیه‌ما اقدام نخواهند کرد، منطقی نیست؛ چراکه تجربه نشان داده است جمهوری اسلامی ایران همواره در موضع دفاع قرار داشته است. باید پرسید چه کسانی صدام را برای آغاز جنگ علیه ایران تقویت کردند و با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود، زمینه تجاوز به کشورمان را فراهم آوردند. جویکار با اشاره به تحولات اخیر منطقه و جنگ علیه ایران تصریح کرد: در جنگ ۱۲ و ۴ روزه باید بررسی کرد که چه کشورهایی خاک، سواحل، پایگاه‌های نظامی و حریم هوایی خود را در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داده‌اند و امکان استفاده از این ظرفیت‌ها را برای اقدامات نظامی علیه ایران فراهم کرده‌اند.

وی با بیان اینکه بخشی از فضاسازی‌های صورت‌گرفته در داخل کشور در چارچوب عملیات روانی دشمن قابل ارزیابی است، گفت: نباید اجازه داد تحلیل‌هایی که با واقعیت‌های میدانی و منافع ملی کشور همخوانی ندارند، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و برعکس بیان می‌کنند.

روابط دوستانه منطقه‌ای باید در عمل نشان داده‌شود نه فقط در اظهارات وی با تأکید بر ضرورت حفظ ارتباط با کشورهای منطقه خاطرنشان کرد: تعامل با دولت‌های منطقه فی‌نفسه اقدامی بدی نیست، اما باید با چشمانی باز و نگاهی عمیق انجام شود. جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان تعامل با کشورهای همسایه بوده است، ولی کشورهایی که به ملت ایران آسیب وارد کرده‌اند، باید مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند و خسارت‌های وارنده را جبران کنند. نمی‌توان

بدون شناخت دقیق شرایط مطرح می‌شوند، پرهیز شود. این تحلیل‌ها تحلیل‌های روبنایی است. مغرضانه می‌تواند باشد و مغرضانه نباشد ساده لوحانه است. وی در ادامه، با تأکید بر نقش برخی کشورهای منطقه در تحولات اخیر اظهار کرد: علاوه بر عربستان، رفتار سایر کشورهای همسایه نیز باید بر اساس اقدامات عملی آن‌ها ارزیابی شود. هنگامی که آمریکا با مشارکت برخی کشورها در طرح‌های فشار اقتصادی یا محاصره دریایی ایران سخن می‌گوید و آن‌ها قدرانی می‌کند، نمی‌توان این مسائل را نادیده گرفت.

نماینده یزد تأکید کرد: در سیاست خارجی، هر اقدامی که طرف مقابل انجام می‌دهد، باید با پاسخی متناسب مواجه شود. اگر در برابر اقدامات خصمانه واکنشی نشان داده نشود، ممکن است طرف مقابل این رویکرد را نشانه ضعف تلقی کند. البته نحوه پاسخ‌گویی باید با در نظر گرفتن ملاحظات و چارچوب‌های سیاست خارجی تعیین شود. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده و همواره در برابر تجاوزها از خود دفاع کرده است.

تحلیل‌های ظریف با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارند

وی اظهار کرد: باید پرسید چه کشورهایی با تأمین منابع مالی، سلاح و تجهیزات نظامی، صدام را در جنگ علیه ایران حمایت کردند. ما با عراق در حال جنگ بودیم، اما آغازگر این جنگ نبودیم و هیچ جنگی را علیه هیچ کشوری شروع نکردیم.

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها مجلس افزود: این تصور که اگر ما وارد جنگ شویم، دیگران نیز



به جای ایران به فکر نجات غرب هستند

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، در انتقاد به اظهارات اخیر ظریف درباره نگاه فرصت محور به جهان گفت: برخی افراد بیش از آنکه به فکر منافع ایران باشند، در اندیشه نجات کشورهای غربی هستند و با خوش بینی به آمریکا و نادیده گرفتن تهدیدهای آن، هزینه های سنگینی به کشور تحمیل می کنند. حجت الاسلام وحید احمدی، نماینده کنگاور، صحنه و هرسین در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اظهارات اخیر ظریف گفت: نوع نگاه افراد به مسائل، نقش تعیین کننده ای در تحلیل و ارزیابی آن ها دارد. در عرصه سیاست و روابط بین کشورها، هم تهدید وجود دارد و هم فرصت؛ بنابراین، نه می توان همه مسائل را صرفاً از دریچه فرصت دید و نه باید همه چیز را تهدید تلقی کرد. هر دو رویکرد، بدون در نظر گرفتن واقعیت ها، می تواند به تحلیل نادرست مسائل منجر شود.

وی افزود: به اعتقاد من، نگاه ظریف به مسائل بسیار خوش بینانه است و اساساً برخی از واقعیت های خارجی را مورد توجه قرار نمی دهد. مگر برخی از کشورهایی که ایشان نام می برد، یا در اختیار قرار دادن سرزمین و امکانات خود برای آمریکا، برای کشور ما تهدید ایجاد نکرده اند؟ نماینده کنگاور در مجلس با بیان اینکه برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، پایگاه های نظامی در اختیار آمریکا قرار داده اند، بیان کرد: این کشورها طی ۴۰ تا ۶۰ سال گذشته، هزینه های هنگفتی پرداخت کرده اند تا به امکانات نظامی آمریکا در منطقه قوت ببخشند، آیا جز این است که این اقدامات برای کشور ما تهدیدآمیز بوده و این تهدیدها در جریان جنگ نیز خود را نشان داده است؟ احمدی اظهار داشت: آیا جمهوری اسلامی ایران این تهدیدها را به وجود آورده است؟ یا عملکرد ما باعث شده که آمریکا از هزاران کیلومتر دورتر به منطقه بیاید و ده ها پایگاه در اطراف ایران ایجاد کند؟ این نوع نگاه، ساده اندیشی و ناشی از نداشتن تحلیل دقیق و درست از مسائل است.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، خاطرنشان کرد: ما در عملکرد برخی از این دوستان، مواردی داشته ایم که به واسطه خوش بینی، به کشور ضرر وارد کرده اند. این آقایان می توانند تاریخ دیپلماسی را مرور کنند. جمهوری اسلامی ایران طی ۴۷، ۴۸ سال گذشته، بارها حسن نیت خود را نشان داده است. هرگاه با موردی خصومت آمیز مواجه شده، تلاش کرده است آن را خصومت تلقی نکند یا حتی در صورت تشخیص خصومت، با همکاری و همراهی طرف مقابل بنشیند و در مواردی، برخی از نقطه نظرات آن ها را نیز اعمال کند.

وی با بیان اینکه در رابطه با برجام، ما امتیازات زیادی داده و فرصت های بسیاری را از دست دادیم، عنوان کرد: در قبال این امتیازات و فرصت های از دست رفته، چه چیزی به دست آوردیم؟ در گذشته با آن ها همکاری کردیم، اما به عنوان «محور شرارت» معرفی شدیم. احمدی ادامه داد: در مورد کشورهایی هم که این آقایان مطرح می کنند و می پرسند چرا در فلان کشورها ضلوع نیرو را نداریم، باید پرسید که در گجای دنیا سفرا را بدون فایده انتخاب می کنند؟ سفرا بر اساس مجموعه ای از توانمندی ها، معیارها و ویژگی های متناسب با شرایط و مشخصات کشور مقصد انتخاب می شوند.

نماینده کنگاور در مجلس با اشاره به برخی از این افراد که اظهار می کنند امتیاز بدھیم، خاطرنشان کرد: به اعتقاد من، این افراد خود باخته و معروب هستند و صرفاً به دنبال امتیاز دادن هستند تا ببینند در ادامه چه اتفاقی می افتد؛ حال آنکه تاکنون مشخص شده است که اساساً هزینه مقاومت کمتر از هزینه تسلیم در برابر آمریکاست.

وی در ادامه گفت: آمریکا و غرب، به برخی از این آقایان آن ها را کعبه آمال خود قرار داده اند، چه نگاهی به جمهوری اسلامی ایران دارند؟ آیا جز نفت، گاز، معادن غنی و موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران، به موضوع دیگری توجه می کنند؟

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس تصریح کرد: به اعتقاد من، برخی از افرادی که چنین اظهارنظرهایی مطرح می کنند، بیش از آنکه به درد جمهوری اسلامی ایران بخورد، در اندیشه نجات کشورهای غربی هستند. این مسائل برای همگان روشن است و ملت ما نیز به خوبی از آن آگاه است. بر همین اساس، امروز شاهد هستیم که ملت ما بیش از ۲۲۰ روز است در صحنه حضور دارد و حاضر نیست تسلیم شود.

وی در پایان مطرح کرد: به اعتقاد بنده، این نوع نظریه ها جایی ندارد. البته این اظهارنظرها متأسفانه سیگنال هایی است که این افراد می دهند و قطعاً می تواند خوشایند کشورهای غربی باشد. با این حال، ملت رشید و فهیم ایران قریب این گونه اظهارنظرها و گفت وگوهایی را که در ظاهر، در پوشش دیپلماسی مطرح می شوند، نخواهد خورد. ملت ما به درک و شناخت روشنی از این مسائل رسیده است و قطعاً دیگر معروب افرادی نخواهد شد که سراسر وجودشان را ترس فرا گرفته است.

■ دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵ ■ ۱ جمادی الاول ۱۴۴۸ ■ ۱۲ October ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۷۸ ■

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲ ■



آقای همتی، اگر نمی توانید دلار را کنترل کنید، استعفا دهید



امیرحسین ثابتی

یادداشت

واقعیت این است که پرداخت من این نیست که بانک مرکزی در برخورد با بانک های مختلف، اعم از دولتی و خصوصی، تمام توان و ظرفیت خود را به کار گرفته باشد. احساس من این است که همچنان بسیاری از مسائل با تعارف ومعامشات پیش می رود. این انتقاد صرفاً متوجه شخص همتی نیست. همین ایراد را به آقای فرزین ورژسای قبلی بانک مرکزی نیز داشته ام. معتقدم بانک مرکزی باید مدعی ترین دستگاه کشور در برخورد با تخلفات بانکی باشد، اما در عمل چنین نقشی را ایفا نمی کند. البته در موضوع بانک آئینده، برای رعایت انصاف باید بگویم که به اعتقاد من، مسئولیت اصلی در به سرانجام رسیدن این پرونده متوجه قوه قضائیه است. بارها این موضوع در جلسات مختلف، از جمله در دیدار با مسئولان قوه قضائیه و آقای اژدای، مطرح کرده ام. تجربه نشان داتا زمانی که آقای اژدای شخصاً وارد میدان نشد، کار به درستی پیش نرفت؛ بنابراین، در کنار انتقاد از عملکرد بانک مرکزی، از قوه قضائیه نیز انتظار برخورد جدی تری با تخلفات بانکی دارم.

آقای همتی، بهتر از همه می داند که بانک ها از مهم ترین کانون های فساد در اقتصاد کشور شده اند. این نگرانی نیز وجود دارد که سابقه فعالیت بانکی مدیران، در برخورد قاطع با تخلفات این بخش ملاحظاتی ایجاد کند. منظوری اتهام شخصی به همتی نیست، بلکه تأکید بر ضرورت استقلال وقاطعیت نهاد ناظر است.

تأزماتی که بانک ها را گرگاری بخواهند انجام دهند، بنگاه داری کنند، تسهیلات بی ضابطه به افراد ومجموعه های مورد نظر خود بدهند واز نظارت مؤثر خبری نباشد، وضعیت اقتصاد کشور بهتر نخواهد شد. بخشی از آشفتگی اقتصادی وافزایش شدید نرخ ارز نیز باید در همین رهاشدگی وضعف نظارت جست وجو کرد.

برای روشن شدن بحث، به یک نمونه مشخص اشاره می کنم، ماده ۵۴ قانون برنامه هفتم، بانک مرکزی رامکلف کرده است با بانک هایی که سهم مقرر تسهیلات بخش مسکن را پرداخت نمی کنند، از جمله از طریق کاهش رشد ترانزنامه، برخورد قانونی کند. سؤال من این است: کدام بانک ها به تکلیف قانونی خود عمل نکرده اند و بانک مرکزی با کدام یک از آنها برخورد کرده است؟ میانگین پرداخت تسهیلات مسکن در شبکه بانکی، حتی در برآورد خوش بینانه، به حدود ۱۰ درصد هم نمی رسد، درحالی که تکلیف قانونی ۲۰ درصد است و بانک مرکزی باید به صراحت اعلام کند با کدام بانک ها برخورد کرده و چه مجازاتی برای آنها در نظر گرفته است.

صرف اعلام کلی اینکه نظارت انجام شده، کافی نیست. مردم باید بدانند کدام بانک تخلف کرده و چه برخوردی با آن صورت گرفته است. مشکل اینجااست که قانون در کشور ضمانت اجرای کافی ندارد وهر دستگاه یا نهادی، در مواردی، برخلاف تکالیف قانونی عمل می کند. این وضعیت تنها به بانک ها محدود نیست و در بخش های دیگر نیز نمونه های مشابهی وجود دارد. نکته بعدی، مسئله نرخ ارز است. دلار به حدود ۲۷ هزار تومان رسیده است. سؤال روشن این است: اگر آقای همتی فکرمی کند کناره گیری اومی تواند به کاهش نرخ ارز کمک کند، به بهبود اوضاع کمک می کند یا خیر.

یکی از مشکلات جدی اقتصاد کشور، اظهارات مسئولان اقتصادی و پیام هایی است که به بازار منتقل می کنند. بارها شاهد بوده ایم که پس از برخی مصاحبه ها و اظهارنظرها، قیمت ارز و حتی سایر دارایی ها افزایش یافته است.

آقای همتی، در مقطعی اعلام کرد فروش نفت کشور به صفر رسیده است؛ اما وزیر نفت این اظهار نظر را تکذیب کرد و گفت این ادعا درست نیست. چنین سخنی از سوی رئیس بانک مرکزی، حتی اگر ناخوaste بیان شده باشد، می تواند پیام منفی به بازار بدهد.

وقتی رئیس بانک مرکزی از توقف صادرات نفت با کاهش شدید درآمدهای

مرکزی ووزارت اقتصاد در دولت قبل نیست. من در آن دوره نیز منتقد عملکرد این دستگاه ها بودم و از هیچ رئیس بانک مرکزی ای به طور مطلق دفاع نمی کنم؛ اما تفاوت در سرعت افزایش نرخ ارز، پرسش های جدی درباره عملکرد مدیریت فعلی ایجاد می کند.

آقای همتی، در دوره های مختلف مسئولیت اقتصادی داشته؛ هم در دولت آقای روحانی و هم در دولت فعلی؛ بنابراین، طبیعی است که عملکرد او در این دوره ها با یکدیگر مقایسه شود. در مقطع آغاز مسئولیت همتی، نرخ دلار حدود ۱۳۵ هزار تومان بود و اکنون به حدود ۲۷۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی در مدت حدود ۹ ماه، نرخ دلار تقریباً دو برابر شده و افزایش اسمی آن حدود ۱۳۵ هزار تومان بوده است.

این ارقام نیازمند پاسخ روشن است. اگر قرار باشد نرخ ارز با چنین سرعتی افزایش پیدا کند، اساساً مردم باید چه انتظاری از بانک مرکزی داشته باشند؟ بانک مرکزی برای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی و حفظ ثبات اقتصادی چه وظیفه ای دارد؟

آقای همتی، دست کم اگر نمی تواند نرخ ارز را کاهش دهد، انتظار حداقلی این است که از افزایش بیشتر آن جلوگیری کند و ثبات را به بازار برگرداند. یکی از استدلال های مطرح شده برای توجیه افزایش نرخ ارز، تحریم ها ومحدودیت های خارجی است. بدون تردید، تحریم ها بر اقتصاد کشور اثر می گذارند؛ اما آیا می توان تمام افزایش نرخ ارز را به این عامل نسبت داد؟

باید بررسی کرد که در هر مقطع، درآمدهای نفتی، وضعیت صادرات، میزان بازگشت ارز حاصل از صادرات، سیاست های بانک مرکزی، نحوه مداخله در بازار و اظهارات مسئولان چه تأثیری بر نرخ ارز داشته اند. اگر در مقطعی درآمدهای نفتی کشور افزایش یافته باشد یا شرایط فروش نفت بهبود پیدا کرده است، باید توضیح داده شود که چرا نرخ ارز همچنان با شتاب بالا رفته است. امروز این پرسش در میان کارشناسان ونمایندگان وجود دارد که آیا سیاست های بانک مرکزی، از جمله نحوه عرضه ارز و اظهارات مسئولان، در افزایش قیمت ها نقش داشته است یا خیر. نمی توان بدون بررسی این عوامل، همه مسئولیت را متوجه تحریم ها کرد. بانک مرکزی باید سهم سیاست های داخلی و تصمیمات مدیریتی را نیز بپذیرد و درباره آن پاسخ گو باشد.

بحث من دفاع از عملکرد بانک مرکزی در دولت های گذشته نیست. من نسبت به عملکرد رؤسای بانک مرکزی در دولت های مختلف انتقاد داشته ام؛ اما در دوره اخیر، به دلیل سرعت افزایش نرخ ارز، انتقاد اتم جدی تر است.

امروز نرخ دلار حدود ۲۷۰ هزار تومان است. بخش قابل توجهی از این نرخ با عملکرد و تحولات دوره مسئولیت همتی ارتباط زمانی دارد و باید درباره عوامل مؤثر بر آن توضیح داده شود. اگر این محاسبات یا استدلال ها نادرست است، مسئولان بانک مرکزی باید با ارائه آراء و مستندات دقیق، آن را روشن کنند؛ اما نمی توان پرسش های افکار عمومی درباره کاهش ارزش پول ملی را نادیده گرفت.

در حال حاضر، این دیدگاه وجود دارد که سیاست های ارز بانک مرکزی، نحوه مداخله در بازار و اظهارات مسئولان دل افزایش نرخ ارز مؤثر بوده است؛ بنابراین، بانک مرکزی باید به جای ارائه آراءهای گزینشی یا تمرکز بر توضیح عوامل بیرونی، کارنامه خود را به صورت شفاف در معرض ارزیابی قرار دهد.

جمع بندی من این است که اقتصاد کشور به بانک مرکزی مقتدر، مستقل و پاسخ گو نیاز دارد؛ بانکی که با متخلفان برخورد کند، قوانین را اجرا کند، از اظهار نظرهای التهاب آفرین بپرهیزد و مسئولیت حفظ ارزش پول ملی را جدی بگیرد.

اگر سیاست ها و عملکرد همتی به ثبات بازار ارز کمک می کند، باید نتیجه آن در زندگی مردم و نرخ ارز دیده شود؛ اما اگر ادامه این وضعیت نشان می دهد که مدیریت فعلی قادر به کنترل بازار به نسبت وکناره گیری همتی می تواند به بهبود شرایط کمک کند، استعفا نیز باید به عنوان یکی از گزینه ها مورد توجه قرار گیرد. مردم دیگر صرفاً به وعده وتوضیح نیاز ندارند؛ آنها انتظار دارند نتیجه عملکرد مسئولان را در کاهش التهاب بازار ارز، مهار تورم و حفظ قدرت خرید خود ببینند.

اگر سیاست ها و عملکرد همتی به ثبات بازار ارز کمک می کند، باید نتیجه آن در زندگی مردم و نرخ ارز دیده شود؛ اما اگر ادامه این وضعیت نشان می دهد که مدیریت فعلی قادر به کنترل بازار نیست وکناره گیری همتی می تواند به بهبود شرایط کمک کند، استعفا نیز باید به عنوان یکی از گزینه ها مورد توجه قرار گیرد

نگاه فرصت محور یعنی اینکه اجازه دهیم کشور تجربه شود؟

عضو هیات رئیسه مجلس، با انتقاد از اظهارات اخیر محمد جواد ظریف درباره ضرورت تغییر نگاه تهدید محور به فرصت محور در سیاست خارجی، خواستار شفاف سازی او درباره نسبت دیپلماسی با دفاع از کشور شده و گفت: آیا نگاه فرصت محور به معنای فراهم کردن زمینه برای تجربه ایران و آسیب رساندن به کشور است؟

علیرضا سلیمی، نماینده تهران ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به سخنان محمد جواد ظریف درباره نگاه ایران به کشورهای همسایه و ضرورت فرصت محور بودن نگاه به جهان، که اخیراً در فضای مجازی منتشر شده، گفت: کشورهای همسایه به هیچ وجه تهدید نیستند ونباید آنها را تهدید تلقی کرد؛ اما مسئله اینجااست که وقتی آقای ظریف از ضرورت فرصت محور بودن نگاه به افزود: این اظهارات از این جهت اهمیت دارد که از سوی فردی مطرح می شود که خود از عوامل برجام بوده است. وقتی گفته می شود باید به جهان نگاه فرصت محور داشته باشیم، لازم است مشخص شود که این نگاه در عمل به چه معناست و چه نتایج به دنبال خواهد داشت. عضو هیات رئیسه مجلس اعلام کرد: آیا منظور از فرصت محور بودن این است که به آمریکایی ها اجازه دهیم در برخی کشورهای پایگاه ایجاد کنند یا اینکه رژیم صهیونیستی سلاح هسته ای داشته باشد وهمچنان به تعدی و تزم خود ادامه دهد؟ آیا این هم مصداق فرصت محور بودن نگاه ما به جهان است؟ سلیبی با تأکید بر ضرورت شفاف سازی در این زمینه تصریح کرد: حرفی که چندپهلواومبهم باشد وگوینده نیز توضیح روشنی دربار آن ارائه نکند، محل سؤال است. اگر منظور آقای ظریف این است که ما فرصت در اختیار دیگران قرار دهیم تا کشورمان را تجربه کنند و به قطعاً راه نرفتند، باید صریحاً این موضوع را روشن کرد. نماینده تهران در مجلس اظهار داشت: آیا منظور این است که ما فرصت را در اختیار دیگران بگذاریم تا به کشورمان آسیب بزنند؟ آیا باید در برابر چنین محالاتی از خود دفاع نکنیم؟ آقای ظریف باید توضیح دهد که نگاه ایشان به مقوله دفاع چیست. عضو هیات رئیسه مجلس با اشاره به آنچه رویکرد یکی جانبه در برخی مواضع ظریف می داند، اظهار کرد: معمولاً از نگاه ظریف، ایران مقصداً و از سوی رئیس اومنزیر گاه بحث هایی مانند برگزاری فرارندوم مطرح می شود؛ اما پس از آن گفته می شود که منظور چیز دیگری بوده است. بنابراین، باید روشن شود که دیدگاه آنان درباره دفاع از کشور چیست.